

با هنرمندان ایرانی در صحنه‌های اروپا آشنا شوید

آودیس جانبازیان

در سه ماه پیش سولیست‌های باله اپرای دولتی وین برنامه‌ای در اپرای دولتی فرانکفورت اجرا کردند که شامل برخی از معروفترین باله‌های جهان و نیز اثری از آهنگساز جوان ایرانی آودیس جانبازیان بود .

این اثر «جنایت» نام داشت و جانبازیان آنرا برای دو پیانو و سازهای ضربی ساخته است. قطعه‌ای است بسیار جالب که از موسیقی افریقا و بخصوص ریتم‌های سیاهان مایه گرفته و مثل بسیاری از آثار آهنگساز به نوپردازی گرائیده است . نوازنده تا کنون چندین بار در کنسرت‌های اختصاصی جانبازیان حضور داشته و شاهد موفقیت او بوده‌ام اما توفیق او در فرانکفورت چیز دیگری بود ؛ زیرا متجاوز از یکهزار و پانصد شنونده اثر جالب او را مورد تشویق قرار دادند و بسیاری خواهان دیدن این جوان هنرمند بودند . افسوس که خود او فرسنگها دور از فرانکفورت و در شهر رؤیائی وین بسر می‌برد و بطوریکه بعدها برایم تعریف کرد از اجرای اثر جالبش در فرانکفورت - سپس در بسیاری از شهرهای آلمان و سوئیس - خبری هم نداشت

آودیس جانبازیان در سال ۱۳۱۱ در تهران متولد شد . بعد از طی دوره دبستان در هنرستان عالی موسیقی نام نوشت و دو سال از خانم پیلوسیان درس پیانو گرفت . اما چون پیانو نداشت تحصیلات خود را در رشته ابوا ادامه داد و چند سال بعد به تشویق خانم پیلوسیان برای تحصیل در رشته کمپوزیسیون عازم اروپا شد .

بزودی در رشتهٔ کمپوزیسیون آکادمی موسیقی وین نام‌نویسی کرد و ابتداء در کلاس پروفیسور «شیسکه» و بعد در کلاس پروفیسور «تول» و استادان رشتهٔ کمپوزیسیون آکادمی، مشغول شد. در سال ۱۹۶۱ آکادمی را با درجه ممتاز بی پایان رساند و پاداش نقدی دریافت داشت.



او برای پایان تحصیلات خود دو اثر جالب بنام سنفونی شماره یک و «قطعه‌ای برای دو پیانو و هفت ساز ضربی» ارائه داد که هر دو مورد توجه استادان آکادمی موسیقی وین قرار گرفت.

جانبازیان تا کنون چند مرتبه آثار خود را در تالارهای کنسرت وین و برخی از شهرهای اطریش رهبری کرده و همیشه با استقبال عده‌ای روبرو شده و ناقدان جراید از او بعنوان «یک آهنگساز نوپرداز و با استعداد» نام برده اند.

قطعهٔ جالب «بالهٔ ماه باران» جانبازیان که برای ارکستر نوشته شده - و اجرای آن بیش از یک ساعت بطول می‌انجامد - تا کنون دو مرتبه بر رهبری خود آهنگساز در تئاتر «زوزف» وین بوسیلهٔ سولیست‌های بالهٔ ابرای ملی وین اجرا شده است؛ قطعهٔ «جنایت» نیز - بطوریکه ذکر آن رقت - در غالب شهرهای آلمان و سوئیس بروی صحنه آمده است. از سایر ساخته‌های آهنگساز جوان ایرانی دو اورتور و یک پوئم سنفونیک بنام «آوریل» در رادیو وین اجرا گردیده است. جانبازیان در نظر دارد در بهار آینده برای اولین بار برخی از آثار ارکستری خود را در تالار «کنسرت هاوس» وین رهبری کند.

آثار جانبازیان

برخی از ساخته‌های جانبازیان بقرار زیر است؛
سه سنفونی (سنفونی شماره سه هنوز تمام نشده است)، چهارپوئم سنفونیک، یک سونات پیانو، چند قطعه برای آواز و پنج ساز بادی، دو قطعه برای پیانو و

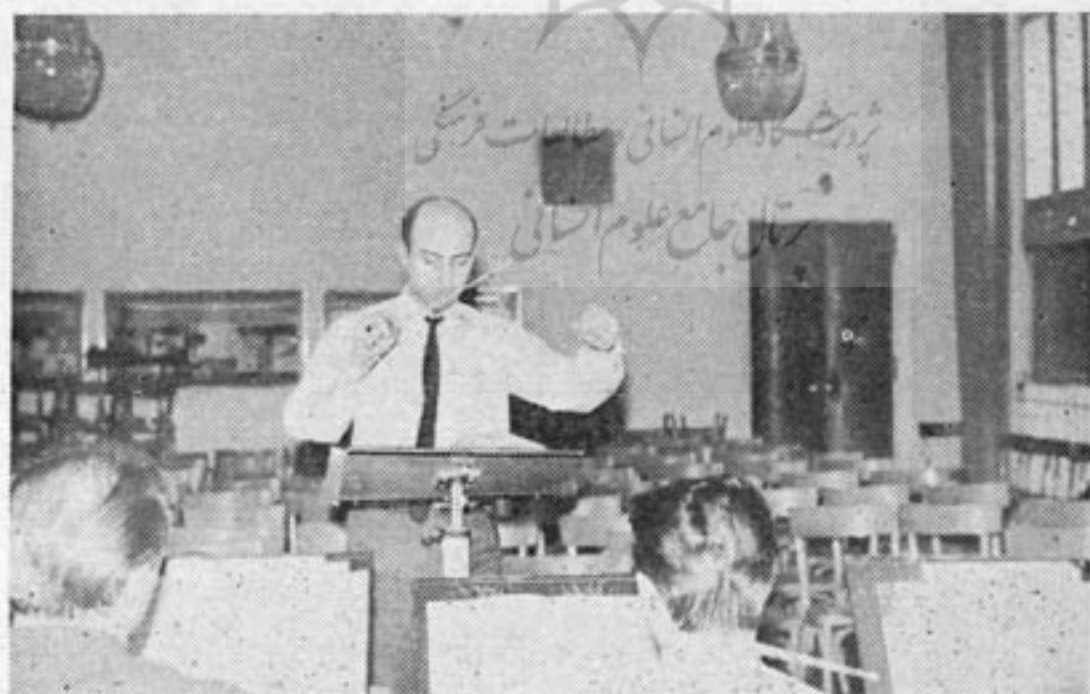
آلات ضربی ، دو قطعه باله ، يك تریو برای پیانو ، ویولون آلتو و ویولون سل ، يك سویت برای پیانو ، دو اورتور باسامی «کمدی شرقی» و نوروز و يك کویننت برای سازهای بادی .

نظر استادان کمپوزیسیون آکادمی موسیقی وین راجع به جانبازیان

شیسکه : يك جوان با استعداد که امید زیادی باو می رود .
یلی نك : حالا موقع آن رسیده است که جانبازیان را در آهنگسازی صاحب شخصیت بدانیم .
ٹول : موسیقی او قوی، ریتمیک، پرهیجان، با احساسات و خوش آهنگ است.

روش کار جانبازیان

آودیس جانبازیان در آهنگسازی از سبك خاصی پیروی نمی کند و عقیده دارد که سبك نمی تواند ضامن خوبی يك اثر هنری باشد بلکه يك اثر هنری خوب است که جلب توجه علاقمندان را کرده و از آن قالبی بنام « سبك » می سازند .
با این حال جانبازیان در برخی از آثار خود کم و بیش از سنن موسیقی قرون گذشته پیروی می نمایند و حتی قطعاتی با استفاده از ریتم و ملودی شرقی ساخته



در حال تمرین با ارکستر

است ، اما اکثر ساخته‌های او بشیوه «آتونال» نزدیک است .

به بینیم خود جانبازیان در این زمینه چه می‌گویند .

« بسیاری از هنردوستان معتقدند که بوجود آمدن «آتونالیت» موسیقی را از هدف اصلی خود دور ساخته؛ در حالی که بنظر من موسیقی تازه به‌هدف و منظور اصلی خود رسیده است . در قرون گذشته فقط زیبایی یک اثر مورد توجه قرار می‌گرفت و کسی را با مفهوم آن کاری نبود ؛ حالا بعکس در درجه اول مفهوم هنر مورد توجه است و زیبایی در مرحله دوم اهمیت قرار دارد. برای مثال دوساختمان را با هم مقایسه می‌کنیم؛ یکی بسبک باروک یا گوتیک بنا شده و دیگری نمونه‌ای از معماری معاصر است. اولی دیوارها و ستون‌های ظریف و بلند و شیشه‌های الوان دارد اما در دومی از آن همه زیبایی خبری نیست و در عوض دریچه‌ها وسیع است و نور و هوا آزادانه در اطاق‌ها راه می‌یابد ؛ بعبارت بهتر معماری گوتیک یا باروک زیباست و معماری معاصر شاید نازیبیا اما مطابق سلامت و بهداشت مردم ساخته شده است. در مورد موسیقی نیز چنین فرقی دیده می‌شود موسیقی رومانیتیک برآستی زیباست اما آیا بهتر نیست این موسیقی زیبا را، همچون معماری باروک یا گوتیک و نیز مانند سایر هنرهای گذشته به موزه‌ها بسپاریم و خود به هنر معاصر روکنیم؟ بنظر من بتهوون همانقدر گرامی است که رافائل و لئوناردو داوینچی . نقاشی‌های این دو را فقط در چند موزه دنیا می‌توان دید و نقاشان ضمن بزرگداشت آنان به سبک‌های نو رو کرده‌اند؛ اما در مورد بتهوون هنوز آثار او از نظر اجرا در مقام اولست و هنوز آهنگسازان می‌کوشند که بسبک بتهوون بنویسند و تقلید از او را فیضی عظیم می‌دانند . آیا موقع آن نرسیده که آثار بتهوون را نیز در موزه‌ها جای دهیم و خود بسبکی نو (موسیقی آتونال) روکنیم ؛ تا نظر خوانندگان عزیز چه باشد ..

امیر اشرف آریان‌پور